

عدالت

کار درست کدام است؟

مایکل سندل

ترجمه‌ی حسن افشار



فهرست

دییاجه	۱
۱. کار درست کدام است؟	۳
۲. اصل بیشترین خوشنودی/سودگرایی	۳۱
۳. ما مالک خودمان نیستیم؟/اختیارگرایی	۵۷
۴. مددکار مزدبگیر/بازار و اخلاق	۷۵
۵. مهم انگیزه است/ایمانونل کانت	۱۰۲
۶. دفاع از برابری/جان رالز	۱۳۹
۷. بحث تبعیض مثبت	۱۶۶
۸. کی سزاوار چیست؟/ارسطو	۱۸۳
۹. ما چه دینی به یکدیگر داریم؟/دوراهی‌های وفاداری	۲۰۷
۱۰. عدالت و خیر جمعی	۲۴۴
پی‌نوشت‌ها	۲۶۹
نمایه	۲۸۷

کار درست کدام است؟

تابستان سال ۲۰۰۴ توفان چارلی غرش‌کنان از خلیج مکزیک به ساحل تاخت و ایالت فلوریدا را تا کرانه‌ی اقیانوس اطلس درنوردید. ۲۲ نفر را کشت و ۱۱ میلیارد دلار خسارت زد.^(۱) یکی دیگر از پیامدهای آن گران‌فروشی بود.

پمپ بنزینی در آرلاندو کیسه‌یخی را که قبلاً دو دلار می‌داد حالا ده دلار می‌فروخت. چون در گرمای تابستان برق نبود و یخچال و کولر کار نمی‌کرد، خیلی‌ها چاره‌ای جز پرداختن آن مبلغ نمی‌دیدند. درختان بسیاری افتاده بودند و نیاز فراوانی به اره‌ی خودکار و تعمیر سقف خانه‌ها بود. پیمانکارها برای برداشتن دو درخت از روی سقف خانه‌ای ۲۳۰۰۰ دلار دستمزد خواستند. فروشگاه‌ی که قبلاً ژنراتور کوچکی را ۲۵۰ دلار می‌فروخت حالا ۲۰۰۰ دلار برای آن می‌خواست. پیرزن ۷۷ ساله‌ای که با شوهر سال‌خورده و دختر معلولش از توفان فرار کرده بودند، مجبور شده بود شبی ۱۶۰ دلار برای اتاقی در هتل بپردازد که در شرایط عادی ۴۰ دلار بود.^(۲)

مردم از این تورم قیمت‌ها عصبانی بودند. روزنامه‌ی *یواس.ای. تودی* تیتراژه بود «بعد از توفان حالا نوبت لاشخوره‌هاست». یکی از اهالی که ۱۰۵۰۰ دلار داده بود تا درختی را از روی سقف خانه‌اش برداشته بودند، گفته بود درست نیست که عده‌ای «بخواهند از گرفتاری و بدبختی دیگران پول دربیاورند». چارلی کریست، دادستان کل ایالت، تأیید کرده و افزوده بود «تعجب می‌کنم که انسان چقدر باید طمع‌کار باشد که بخواهد از کسی که توفان خانه‌خرابش کرده سوءاستفاده کند.»^(۳) فلوریدا قانونی برای مبارزه با گران‌فروشی دارد؛ و پس از توفان، دفتر دادستان

قیمتی که بازار می‌طلبد گران‌فروشی نیست. طمع‌کاری یا بی‌شرمی نیست. شکل تخصیص کالاها و خدمات در جوامع آزاد است.» جیکابی اذعان کرد که البته «خیز قیمت‌ها انسان را عصبانی می‌کند، خصوصاً کسی را تازه توفان همه‌ی زندگی‌اش را نابود کرده.» اما عصبانیت مردم دخالت در بازار آزاد را توجیه نمی‌کند. قیمت‌های ظاهراً سرسام‌آور با ایجاد مشوق برای عرضه‌ی بیشتر کالای مورد نیاز «بیشتر سود می‌رسانند تا زیان.» به این ترتیب او نتیجه‌گیری کرد که «سیاه‌نمایی کار فروشندگان کمکی به حال فلوریدا نمی‌کند. کمک این است که بگذاریم کارشان را بکنند.»^(۴)

کریست، دادستان کل، جمهوری خواهی که بعد فرماندار فلوریدا شد، مقاله‌ای برای روزنامه‌ی شهر تمپا فرستاد و از قانون مبارزه با گران‌فروشی دفاع کرد. نوشت «در مواقع اضطراری، زمانی که بعد از یک توفان از مردمی که از ترس جانشان در حال فرارند یا دنبال مایحتاج اولیه برای خانواده‌هاشان می‌گردند قیمت‌های بی‌رحمانه مطالبه می‌شود، دولت نمی‌تواند خود را کنار بکشد.»^(۵) کریست این ادعا را که قیمت‌های به قول او «بی‌رحمانه» نشان‌دهنده‌ی آزادی کامل معامله‌اند رد کرد:

این دیگر یک موقعیت عادی در بازار آزاد نیست که خریدار آزادانه وارد بازار شود و فروشنده را انتخاب کند و بر اساس عرضه و تقاضا با هم به توافق برسند. در شرایط اضطراری، خریدار ناچار است و آزادی ندارد. خرید مایحتاج، برایش مثل محل اسکان امن، اجباری است.^(۶)

این بحث گران‌فروشی پس از توفان چارلی پرسش‌های دشواری درباره‌ی اخلاق و قانون پیش می‌آورد: آیا درست است که فروشندگان کالاها و خدمات از فجایع طبیعی بهره‌برداری کنند و قیمت‌ها را تا جایی که بازار کشش دارد بالا ببرند؟ اگر درست نیست، آیا قانون نباید کاری درباره‌اش بکند؟ آیا دولت نباید مانع از گران‌فروشی شود، ولو ممانعت‌اش به معنی دخالت در آزادی معامله‌ی خریدار و فروشنده باشد؟

رفاه، آزادی، فضیلت

این پرسش‌ها تنها به طرز رفتار ما انسان‌ها با یکدیگر مربوط نمی‌شوند؛ به این هم که قانون چه باید باشد و جامعه چگونه باید شکل بگیرد ارتباط پیدا می‌کنند. این

کل بیش از دو هزار شکایت دریافت کرد، که بعضی از آنها به نتیجه هم رسیدند. متل «دیز این» در وست پالم بیچ ۷۰۰۰۰ دلار جریمه و خسارت به شاکیان گران‌فروشی‌اش پرداخت.^(۷)

ولی در همان حال که کریست مشغول اعمال این قانون بود، بعضی اقتصاددان‌ها ادعا می‌کردند که این قانون - و عصبانیت مردم - ناشی از یک سوء تفاهم است. در قرون وسطا فیلسوفان و متکلمان معتقد بودند مبادله‌ی کالا باید بر اساس «قیمت عادلانه» ای انجام بگیرد که سنت یا ارزش ذاتی چیزها آن را تعیین می‌کند. ولی در جوامع بازاری - به اعتقاد اقتصاددانان - عرضه و تقاضاست که قیمت‌ها را تعیین می‌کند؛ و چیزی به اسم «قیمت عادلانه» وجود ندارد.

تامس ساول، اقتصاددانی که تخصص‌اش در اقتصاد بازار آزاد است، گران‌فروشی را «اصطلاحی از نظر عاطفی قوی اما از لحاظ اقتصادی بی‌معنی» خواند که «اقتصاددان‌ها اکثراً اعتنایی به آن نمی‌کنند چون مغشوش‌تر از آن به نظر می‌رسد که به خاطرش به دردسر بیفتیم.» ساول در روزنامه‌ی تمپا تریبیون سعی کرد برای مردم فلوریدا توضیح بدهد که اتفاقاً گران‌فروشی به سود آنها کار می‌کند. نوشت اتهام گران‌فروشی موقعی مطرح می‌شود که «قیمت‌ها خیلی بالاتر از آنی است که مردم به آنها عادت کرده‌اند.» ولی «قیمت‌هایی که مردم به آنها عادت کرده‌اند» و حی منزل نیستند. یعنی «خاص‌تر یا عادلانه‌تر از هیچ قیمت دیگری» که شرایط بازار ممکن است تعیین کند نیستند - از جمله شرایطی که توفان پیش می‌آورد.^(۸)

ساول این طور استدلال کرد که قیمت بالای یخ، آب معدنی، تعمیر سقف، ژنراتور، و اتاق متل این مزیت را دارد که هم باعث کاهش مصرف آنها می‌شود و هم برای عرضه‌کنندگان آنها انگیزه ایجاد می‌کند تا کالاها و خدماتی را که پس از توفان مورد نیازند از نقاط دورتر به این مناطق بیاورند. اگر در گرمای تابستان که فلوریدا با قطعی برق هم مواجه است قیمت یخ به کیسه‌ای ده دلار برسد، تولیدکنندگان یخ می‌بینند می‌ارزد که یخ بیشتری تولید کنند و بفرستند. ساول توضیح داد که این قیمت‌های بالا به هیچ وجه ناعادلانه نیستند، بلکه فقط ارزشی را نشان می‌دهند که خریداران و فروشندگان مایل‌اند روی چیزهایی که مبادله می‌کنند بگذارند.^(۹)

جف جیکابی، صاحب‌نظر طرف‌دار بازار که در روزنامه‌ی بوستون گلوب قلم می‌زند، با استدلال مشابهی از قانون مبارزه با گران‌فروشی انتقاد کرد: «مطلبه‌ی